

بررسی عوامل اقدام به قاچاق موادمخدر

(مورد مطالعه: قاچاقچیان دستگیر شده توسط پلیس مبارزه با موادمخدر همدان)

حسین نعمتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اقدام به قاچاق در بین قاچاقچیان موادمخدر شهر همدان انجام پذیرفت. در این پژوهش، از رویکرد کیفی و روش تحقیق پدیدارشناسی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی قاچاقچیان موادمخدر اعم از سابقه‌دار و افرادی که برای اولین بار دستگیر شده‌اند، می‌باشد که از طریق نمونه‌گیری در دسترس با شش نفر از قاچاقچیان مصاحبه صورت پذیرفت. در این پژوهش، جهت جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است که برای تعیین روایی آن از روایی محتوایی بهره گرفته شده است. در این پژوهش، جهت آزمون اهداف و سؤالات پژوهش از تحلیل موضوعی یا تماتیک استفاده شده است. نتایج حاصل از مصاحبه با قاچاقچیان دستگیر شده نشان داد که عواملی چند در بروز این پدیده نقش دارد. به صورت کلی، براساس مصاحبه‌ها در بررسی دلایل اقدام به قاچاق موادمخدر سه دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی و روانی تفکیک شدند که مولفه‌های هر یک از این دلایل عبارت از: محیط اجتماعی و زندگی فرد، ارزش‌های فرهنگی-قومی، تحصیلات، وضعیت خانواده، پایبندی دینی و اخلاقی، دوستان ناباب، ضعف مکانیزم‌های نظارت اجتماعی، ویژگی‌های روانی، مشکلات روانی-شخصیتی، فقر و بیکاری.

واژگان کلیدی: قاچاقچیان، قاچاق، عوامل، موادمخدر

مقدمه

مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن که به حق به عنوان بلای خانمان سوز شهرت یافته است، امروزه به یکی از دغدغه‌های اصلی تمامی کشورها تبدیل شده است. این پدیده به مثابه یک مسأله اجتماعی، پدیده‌ای است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود از بین می‌رود و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در یک جامعه می‌شود. این آسیب اجتماعی تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و به طور روز افزونی در حال تعامل با سایر آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن به یک تهدید شالوده شکن است. به اعتقاد تحلیل‌گران اجتماعی، اعتیاد به عنوان یکی از مسائل پیچیده اجتماعی در عصر حاضر است که زمینه ساز بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر رابطه اعتیاد با مسائل اجتماعی ارتباطی دو جانبه است؛ از یک سو اعتیاد، جامعه را به رکود و انحطاط می‌کشاند و از سوی دیگر، پدیده‌ای است که ریشه در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد. اعتیاد گرایش فرد را به اصول اخلاقی و معنوی و ارزشهای اجتماعی کاهش می‌دهد به طوری که آسیب شناسان اجتماعی، اعتیاد را به مثابه «جنگ شیمیایی خانگی» و «جنگ بدون مرز» می‌دانند (برومند، ۱۳۹۳).

پیامدهای مصرف مواد مخدر بسیار گسترده است. از جمله آنها می‌توان به آثار روانی (اضطراب، افسردگی، عزت نفس پایین، تمایل به خودکشی)، رفتاری (سرقت، قتل)، خانوادگی (تعارضات زناشویی، طلاق)، شغلی و مالی (پایین آمدن بهره‌وری، اخراج، بیکاری، بدهکاری، فقر)، اخلاقی (روابط جنسی نامشروع، گدایی)، اجتماعی (طرد، از دست دادن احترام و اعتبار، انزوا)، جسمانی (بیماری‌های مختلف عفونی، قلبی-عروقی، تنفسی) و نابود شدن میلیاردها تومان سرمایه مادی، از بین رفتن

سرمایه‌های انسانی و تحمیل به‌کارگیری انرژی، وقت، منابع و امکانات مادی و معنوی در جهت برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مبارزه با قاچاق، مصرف مواد و درمان معتادان اشاره کرد (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۶).

امروز نخبگان و نهادهای تصمیم‌ساز و تدبیرپرداز ما با نوعی فقر شناخت و ضعف تمهید و تدبیر استراتژیک و فقدان رویکردی فراگیر و همه‌سونگر و مبتنی بر «تعیین چندجانبه» جستجوی علل و عوامل متنوع در پس این پدیده مواجه هستند. در نتیجه این فقر، ضعف استراتژی و تاکتیک‌های متخذه برای مقابله با این تهدید، قادر به تأمین بهینه اهداف خود نبوده‌اند و جامعه ما شاهد رشد روز افزون گسترده و عمق تأثیرات مخرب مواد مخدر می‌باشد. البته مدت‌هاست که بحث و مطالعه در باب سوء مصرف مواد مخدر به دغدغه مشترک بسیاری از کشورها و گروه‌های علمی تبدیل شده و در این زمینه پژوهش‌های متنوعی هم با استفاده از رویکردهای مختلف انجام گردیده است. اگر کلیدواژه اعتیاد را در منابع و سایت‌های نمایه‌کننده نشریات و مقالات علمی جستجو کنیم، به درستی این جمله پی خواهیم برد. در تحقیقات انجام شده، عوامل مختلف روانی و اجتماعی را در گرایش به مصرف مواد مخدر برشمرده‌اند اما آن چه در این بین فقدان آن احساس میشود، ناچیز بودن تحقیقات در زمینه علل گرایش یا اقدام به فروش و قاچاق مواد مخدر است. با عنایت به اینکه، مسأله پژوهش حاضر متمرکز بر مفهوم قاچاق می‌باشد، مرور مختصری بر تعریف قاچاق خواهیم داشت. قاچاق در لغت به معنی عملی است که برخلاف قانون به صورت پنهانی انجام می‌شود. در لغت‌نامه دهخدا این کلمه "آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است" معنا شده است (لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۸، ۱۸ همچنین معین، ۱۳۸۳: ۵۸۳). سازمان جهانی گمرک (WCO) قاچاق را تخلف گمرکی می‌داند که شامل جابه‌جایی کالا در طول مرز گمرکی به روش مخفیانه و به

منظور فرار از نظارت گمرکی می‌باشد (نوری، ۱۳۸۲: ۱۵۰). برخی از محققان، قاچاق را فرار از پرداخت مالیات‌ها به وسیله فریب کنترل‌های مرزی تعریف کرده‌اند (مریمان، ۲۰۰۳ به نقل از کهنه پوشی و شایان، ۱۳۹۲: ۲). در حالی که نقطه تأکید تعریف سازمان جهانی گمرک بر مفهوم نظارت گمرکی در مرزها می‌باشد، تعریف دوم، گسترده‌تر از نظارت‌های ورودی و خروجی در مبادی مرزی است و حتی چنانچه مالیات محصولات تولید شده در درون یک کشور نیز پرداخت نشود، حکم کالای قاچاق دارند. این تمایز در مفهوم قاچاق، در قانون مجازات مرتکبین قاچاق جمهوری اسلامی ایران نیز دیده شده است. قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحیه ماده ۱ آن مصوب ۱۳۷۳ به صراحت کالاهای قاچاق را به دو گروه موضوع درآمدهای دولت و غیر موضوع درآمدهای دولت تقسیم می‌کند. دامنه بررسی‌های نظری و تجربی پژوهش حاضر، هر دو گروه کالاها را شامل می‌شود. همچنین ماده مذکور، بیان می‌دارد تولید الكل و ترکیبات الکلی و نوشابه‌های غیرالکلی و آب میوه به طریق صنعتی در داخل کشور به نحو غیرمجاز یا عرضه آنها برای فروش قبل از این که مالیات مربوط پرداخت یا ترتیب پرداخت آن داده شده باشد، از موارد قاچاق اموال موضوع درآمد دولت محسوب می‌گردد. به بیان دیگر، در قانون، تعریف قاچاق صرفاً ناظر به مبادی ورودی و خروجی و مرزهای جغرافیایی نمی‌گردد، بلکه نگهداری و توزیع و حمل کالاهای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می‌شود. براساس قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر جرم بوده و عاملین به موارد مذکور مجرم محسوب می‌شوند. بنابراین، از آنجایی که در کشور ما خرید و فروش مواد مخدر (جدای از بحث مالیات و یا مرز آن چنان که پیش‌تر بحث شد) جرم می‌باشد، اقدام

به آن قاچاق محسوب می‌شود. براین اساس، قاچاق حیطة گسترده‌ای را شامل می‌شود، اما به اقتضای موضوع، مقصود پژوهش حاضر از قاچاق مواد مخدر، عبارت از هر گونه نگهداری، واسطه‌گری و خرید و فروش مواد مخدر می‌باشد. اگرچه به دلیل ماهیت خاص مسأله، برآوردهای دقیقی از خسارت‌های اقتصادی- اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم مواد مخدر و قاچاق آن نمی‌توان ارائه داد اما در همین زمینه، سالیانه حدود ۲۰۰ نفر از پرسنل نیروی انتظامی کشور را از دست می‌دهیم (کلانتری، ۱۳۸۶). از این رو، در سال‌های اخیر، ابعاد مسأله به حد نگران کننده‌ای رسیده و گفتگوها، پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی برای شناخت ابعاد مسأله و کنترل آن صورت گرفته است (سراج زاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۲).

از سوی دیگر، در بُعد سیاسی نیز، مقوله اعتیاد و قاچاق مواد مخدر همواره از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیرگذار بر امنیت ملی و سیاسی هر کشور هستند. این تاثیر را می‌توان در بخش‌های ارایه شده در تقسیم‌بندی زیر مشاهده نمود ۱. تاثیر بر اعتبار سیاسی کشور در منطقه و نظام بین‌الملل ۲. تاثیر در نا امن ساختن مناطق مرزی و بالطبع تاثیر بر حاکمیت سیاسی ۳. تاثیر منفی بر انسجام و وحدت درونی کشور ۴. تاثیر منفی بر دستگاه اداری و رواج فساد در آن ۵. تاثیر در ایجاد تبلیغات منفی از جانب کشورهای خارجی یا دست‌آویز قرار دادن قاچاق مواد مخدر ۶. تضعیف دولت و عقب ماندگی کشور (جمشیدی، ۱۳۸۳).

در تشریح تاثیر قاچاق بر اعتبار سیاسی کشور، باید عنوان کرد که یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که در عرصه جهانی مورد توجه کشورها است کسب اعتبار و پرستیژ چه در داخل و چه در بعد بین‌المللی است. در دهکده جهانی امروز، عمل هر کشور در ابعاد مختلف با عکس‌العمل سایر کشورها در محیط بین‌المللی همراه خواهد شد. حال اگر کشوری در زمینه عمل قاچاق و کنترل قاچاقچان از خود

ضعف نشان دهد بالطبع از نظر سایر کشورها به عنوان کشوری که قادر به حفظ اعتبار سیاسی و حاکمیت داخلی خود نیست قلمداد خواهد شد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۸). چرا که این عمل در نهایت اعتبار سیاسی کشور را خدشه‌دار می‌نماید. در تشریح عامل دوم که پدیده قاچاق بر مرزها و نا امن ساختن آن و در نتیجه از بین بردن حاکمیت داخلی موثر است. باید عنوان کرد که انسان‌ها برای برطرف کردن مناسب نیازهای مختلف خود همواره به برقراری ارتباطات متقابل همت گمارده‌اند. این ارتباطات در بعد داخلی در گستره فضای سرزمینی و در بعد خارجی با کشورهای همسایه و از طریق مناطق و مبادی مرزی انجام می‌شود. مرزهای سیاسی، پدیده‌های فضایی هستند که منعکس کننده قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و در مقابل حرکت آزادانه انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند. مهم‌ترین کارکرد مرزها، ایجاد مانع در برابر حرکت آزادانه انسان، کالا و تفکرات است که از آن به عنوان امنیت مرزی یاد می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱). وجه تمایز امنیت در مناطق مرزی از سایر مناطق کشور (داخلی) وابستگی و تعامل امنیتی این مناطق و تأثیرپذیری سریع‌تر آنها از متغیرهای امنیتی خارجی و حتی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است. برای دستیابی به اهداف ملی، وجود امنیت در یک کشور ضروری است؛ از آنجایی که مناطق مرزی از ویژگی‌ها، محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاصی برخوردارند؛ شناخت این ویژگی‌ها و رفع آنها در جهت تامین امنیت ملی ضرورت دارد. با توجه به از بین رفتن زمینه‌های تولید موادمخدر در داخل (اعم از کشت و یا تبدیل تریاک به هرویین) و ورود تمامی این مواد از خارج کشور، مسأله مرز و موادمخدر از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. از سوی دیگر باید گفت حفظ امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن یکی از شاخص‌های امنیت هر کشوری محسوب می‌شود و افزایش قاچاق مواد مخدر به چند صورت امنیت مرزها و نفوذناپذیری آن را تهدید می‌کند:

۱- افزایش تعداد درگیری‌ها و تلفات. ۲- افزایش هزینه‌های کنترل مرز. ۳- آلودگی نیروهای مقابله کننده. ۴- تسهیل ورود سایر کالاهای قاچاق از مرزها. ۵- قاچاق مواد مخدر و افزایش خروج غیرمجاز. ۶- تسهیل تردد اتباع بیگانه. (پژوهشنامه مواد مخدر در اروپای شرقی، ۱۹۹۳: ۷۳). در تشریح مورد بعدی که قاچاق مواد مخدر چگونه عاملی برای بهره‌برداری سیاسی مخالفان است باید بیان کرد که تبدیل مسأله شرارت قاچاقچیان و خوانین سابق به مقوله‌های سیاسی، ابعاد امنیتی این پدیده را دو چندان می‌کند. اخیراً برخی از اشرار قاچاقچی برای کسب وجهه و مشروعیت بخشیدن به اعمالشان در داخل و خارج و تطهیر خود از فجایع قبلی کوشیده‌اند به فعالیت‌های خود بُعد سیاسی بخشند. آنها با توجه به وجود شکاف‌های اجتماعی در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان با دولت مرکزی (مانند شکاف‌های زبانی، قومی و مذهبی) می‌کوشند با دامن زدن و تقویت تضادها، خود را به نیروی اجتماعی و مردمی بدل سازند و به خود مشروعیت بخشند (غنجی، ۱۳۸۶) و در نهایت قاچاقچیان مواد مخدر با بر هم زدن انسجام درونی در جامعه که همواره از ابعاد مهم مورد توجه ساختار داخلی حکومت ایران بوده است می‌تواند بر امنیت سیاسی کشور تاثیر گذار باشد. این تأثیر می‌تواند از راه‌هایی از جمله سوق دادن گروه‌های تجزیه طلب در حمایت از قاچاقچیان و ضربه زدن به کشور از طریق آنان و در نتیجه رسیدن به اهداف جدایی خواهانه خود باشند. کشور ایران نیز به علت قرار گرفتن در معرض چند قوم و طایفه در نقاط مرزی داری پتانسیل بالقوه در این زمینه است. از موارد دیگر تأثیر گذاری قاچاقچیان بر امنیت داخلی کشور ایران نوع مقابله قضایی در کشور ما با جرم قاچاقچیان است که این امر در نهایت دستاویزی برای کشورهای خارجی به ویژه دشمنان کشور ایران همچون کشور آمریکا و به مخاطره انداختن وجهه و اعتبار سیاسی کشور ایران در محافل بین‌المللی با بهانه نقض حقوق بشر

خواهد بود (عبدی و شرافتی‌پور، ۱۳۸۶). برخی از محققان معتقدند، که بیکاری از دلایل اصلی گرایش به قاچاق موادمخدر است. بدین صورت که چون «قاچاق مواد مخدر یکی از انواع جرایمی است که درآمدزایی بالایی دارد، این انتظار وجود دارد که با بیکاربودن یا بیکارشدن شخص و در نتیجه سطح درآمدی پایین، احتمال ارتکاب چنین جرمی افزایش یابد» (موسایی و گرشاسبی فخر، ۱۳۸۹). اگرچه می‌توان بین این دو متغیر روابطی متصور شد، اما به نظر می‌رسد این رابطه به معنای هم‌تغییری باشد و نه اثرگذاری. به بیان دیگر، متغییری تعیین کننده نیست و تنها با ایجاد زمینه به امر قاچاق از جمله قاچاق موادمخدر دامن می‌زند. ضمن آن که، چه بسیار افرادی که بیکار هستند اما چنین جرمی را مرتکب نمی‌شوند. این نکته، لزوم توجه به عوامل و دلایل دیگر را یادآور می‌شود. از این رو، در تحقیق حاضر، این پرسش مطرح شده است که چرا برخی افراد اقدام به قاچاق مواد مخدر و توزیع و فروش آن می‌کنند؟ نگاه خود آنها نسبت به موادمخدر و قاچاق و فروش آن چگونه است؟ در نظر آنها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نگاه جامعه به کار آنها چگونه تفسیر می‌شود؟

اهداف پژوهش

شناسایی عوامل و دلایل اقدام به قاچاق در بین قاچاقچیان موادمخدر.

سؤالات پژوهش

قاچاقچیان دلایل شروع و اشتغال خود به قاچاق موادمخدر را چه مواردی ذکر می‌کنند؟

وضعیت خانوادگی و فرهنگی - اجتماعی قاچاقچیان موادمخدر چگونه است؟

چه بستریابی موجب شکل‌گیری گرایش به قاچاق در قاچاقچیان موادمخدر می‌شود؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی ژرف و عمیق نگرش و تجربه گروهی از افراد که اقدام به قاچاق مواد مخدر کرده‌اند و همچنین تلاش در جهت بازخوانی معانی ذهنی و برداشت‌های افراد که پشتوانه تصمیم‌گیری آنها در اقدام به قاچاق مواد مخدر است، طرح ریزی شده است؛ لذا مناسب‌ترین روش برای رسیدن به این هدف روش کیفی خواهد بود. این گزینش بدان خاطر است که اولاً هدف اصلی؛ فهم دیدگاه‌های ذهنی و احتمالاً منحصر به فرد قاچاقچیان و تفسیر آنها از اقدامات‌شان می‌باشد، که تنها با مصاحبه‌های عمیق می‌توان به این فهم دست یافت. بنابراین، در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی و روش تحقیق پدیدارشناسی استفاده شده است که در این روش پدیده مورد مطالعه بر اساس دیدگاه معرفت شناختی تفسیری و بر پایه ذهنیت افراد و معنایی که آنان در تجربه زندگی خود از پدیده دارند، بررسی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش افرادی هستند که به جرم قاچاق مواد مخدر در شهرستان همدان دستگیر شده و در اختیار نیروی انتظامی یا قوه قضاییه بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و با بهره‌برداری از مصاحبه هدفمند، شش نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. لذا در ادامه در این پژوهش مصاحبه‌های ضبط شده، پیاده‌سازی، دسته‌بندی و سازماندهی شدند. سپس با استفاده از شیوه تحلیل موضوعی یا تماتیک داده‌ها مقوله‌بندی شده و در ارتباط با هم مورد تفسیر قرار گرفتند.

یافته‌ها

در این بخش، با استفاده از روش تحلیل تماتیک، داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

عوامل اجتماعی

محیط اجتماعی: در مورد اینکه محیط در وقوع بزهکاری مؤثر است یا نه، فرضیه‌ها و تحقیقات بسیاری مطرح گردیده است. محققان در این زمینه بر این باورند که محیط اجتماعی و طبیعی و زیر مجموعه‌های آن در بزهکاری و تکوین شخصیت فرد مؤثر است و حسب مورد این عامل می‌تواند در ایجاد بزهکاری و آماده کردن زمینه‌های آن، یا برعکس مانعی برای پیشگیری از جرایم و کاهش نرخ بزهکاری باشد. نظریه تأثیر محیط بر انسان‌ها مربوط به زمان معاصر نیست، بلکه از زمان‌های قدیم مورد توجه بوده است. بقراط حکیم و پزشک بزرگ عصر باستان، نخستین کسی بود که درباره تأثیر محیط جغرافیایی اظهار نظر کرده است و به پزشکان توصیه می‌کرد که در اقلیم، فصول، بادهای، هوا و ... تعمق بیشتری بنمایند و از تأثیر این عوامل غافل نمانند و از آن برای بهبودی آدمیان حد اعلا‌ی بهره برداری را به عمل آورند (کی نیا، ۱۳۷۳: ۴۵۶). بنابراین، در این جهت حمید به بیکاری خود در یک سال گذشته اشاره کرده و می‌گوید: «یک سالی بود که بیکار بودم، چندین جا برای شغل رفتم، اما جور نشد. یه روز توی پارک باباطاهر نشسته بودم، دیدم که یه پسر جوانی آمد چند ده هزار تومن به یارو داد و یه بسته کوچکی گرفتش، و سوسه شدم که برای یه مدت کوتاه به فروش مواد مخدر دست بزنم. ناچار بودم درآمدی نداشتم». اردشیر هم می‌گوید که «اگر یک کار درست حسابی داشتم مرض نداشتم، که خودمو، خانواده‌مو به دردرس بندازم. می‌دونستم آخر عاقبت نداره، ولی از این و اون قرض گرفتن خسته شده بودم».

ارزش‌های قومی - فرهنگی: از عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت‌ها و تبعیض‌های ناشی از فقر فرهنگی می‌باشد. یکی از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و

فرهنگی خانواده‌هاست. چنان که سطح تحصیلات بی‌سواد و یا کم‌سواد اعضای خانواده، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی، ناآگاهی اعضای خانواده به‌ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیر رسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسأله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می‌کند. تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می‌شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض‌آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود که احمد در این باره به نقش فرهنگ‌ها در شکل‌گیری تفکری که او را سوق به سمت قاچاق مواد مخدر داده است اذعان دارد و می‌گوید: «فرهنگ در اینکه من به سمت قاچاق مواد مخدر بروم تأثیر مستقیمی دارد. من از لحاظ فرهنگی ریشه‌ای قومی و قبیله‌ای دارم و بخاطر اینکه برتری خودم رو ثابت بکنم و اون روی بی‌باکی خودم رو به رخ بقیه بکشم، به سمت قاچاق مواد مخدر رفتم تا از این طریق نترس بودن خودم رو ثابت کنم.»

تحصیلات: بی‌سواد یا کم‌سواد امروزه به‌عنوان یک عامل منحصر به فرد یا تعیین کننده در رابطه با پدیده بزهکاری مطرح می‌شود، زیرا هدف‌ها و ارزش‌هایی که والدین هر خانواده در رتبه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی برای فرزندان و زندگی خود قائلند متأثر از رتبه‌های اجتماعی آنان می‌باشد و این ارزش‌ها و دیدگاه‌های

والدین، فرزندان خود را تحت تأثیر قرار داده و آثار آن در نحوه برخورد والدین با کودک و انتظاراتی که از وی دارند بروز می‌کند. بنابراین مسأله بی‌سوادی، مشکل بزرگی است که باید با همیاری مردم و کمک مسئولین به طور جدی با آن مبارزه شود. چرا که نه تنها از نقطه نظر جرم‌شناسی، بلکه از جهت اجتماعی نیز این پدیده مسأله‌ساز بوده و ضمن اینکه از بالا رفتن فرهنگ سیاسی، اجتماعی، جلوگیری می‌نماید، در زندگی فردی نیز اثرات منفی بسیار می‌گذارد که در این رابطه حسین، نداشتن تحصیلات را عاملی مهم در گرایش به سمت قاچاق کالا اعلام کرده و می‌گوید: «تحصیلات و داشتن سواد مهم‌ترین و اولین فایده‌ای که داره به آدم شخصیت و آگاهی می‌بخشه. من داخل یه خانواده‌ای بزرگ شدم که نه پدر و مادرم سواد کافی داشتن و نه خودم و برادر خواهرام. قطعاً اگر بین خانواده ما یا شخص خودم یکی باسواد بود و از عاقبت این کار و مجازات‌های قانونی که براش در نظر گرفتن منو آگاه می‌کرد، هیچ‌وقت سراغ همچین کاری نمی‌رفتم. من معنی سواد و آگاه بودن رو وقتی فهمیدم که دیدم برای حل یه مسأله حقوقش از یه وکیل که با سواد و تحصیلات بالایی داره باید استفاده کنم».

عوامل اقتصادی

فقر و نیاز مالی: فقر یکی از مواردی بود که در مصاحبه با قاچاقچیان موادمخدر به آن اشاره شد. خیلی از خانواده‌ها به دلیل فقر و بیکاری و از بین بردن هر چه زودتر مشکلاتشان از قاچاق موادمخدر برای رهایی از این وضعیت نابه سامانشان استفاده می‌کنند که این وضعیت آنان را به این معضل اجتماعی پیش می‌راند. بدون شک، یکی از اصلی‌ترین عواملی که هر قاچاقچی در گرایش به سمت قاچاق موادمخدر به آن اذعان دارد بحث مسائل مادی و فرار از فقر است که در مصاحبه از تمام افراد جامعه آماری اکثراً به بحث فقر اعتقاد داشتند. در اینجا، به حرف‌های وحید گوش

می‌کنیم که علت گرایش خود را صددرصد بحث مالی می‌دانست. او این‌طور توضیح داد که «من در یک خانواده فقیر زندگی می‌کنم. پدرم به علت تصادفی که سال‌ها پیش انجام داده، نمی‌تونه حتی راه بره. مادرم که یه خانم خانه‌داره. خانواده شلوغی داریم سه تا برادر و سه تا خواهر دارم. من پسر بزرگ خانواده هستم و خواهرم که از من بزرگتره با یکی عقد کرده و به علت فراهم نشدن شرایط اولیه زندگیش نتونسته بره سر زندگی خودش. بقیه داداش و خواهرهام هم در حال تحصیل هستن. خیلی با خودم فک کردم تا به سمت یه کار آبرومندانه برم ولی متأسفانه کاری که درآمدش در حدی باشه که بتونه چاله‌های زندگی ما رو یه دفعه پر کنه پیدا نکردم. همین باعث شد برای فرار از فقر و بدبختی با یکی از دوستانم اقدام به آوردن مقدار زیادی موادمخدر شیشه بکنیم تا با فروشش برای همیشه از فقر و بدبختی خلاص بشیم. از نظر من عمده‌ترین دلیل گرایش به سمت قاچاق موادمخدر همین بحث درآمدی و فرار از فقر است».

بیکاری: عامل بیکاری به‌طور غیرمستقیم به گرایش فرد به سوی اعتیاد می‌انجامد. بیکاری از سویی، به فقر شخص و از سوی دیگر، سبب ایجاد بیماری‌های روانی، افسردگی، ضعف اعتماد به‌نفس و از بین رفتن امیدواری می‌شود که در نهایت به اعتیاد شخص منجر می‌گردد. فرد به دلیل بیکاری و نداشتن درآمد آبرومند به خرید و فروش موادمخدر روی می‌آورد و برای خود شغلی کاذب ایجاد می‌کند که یکی از نتایج اشتغال، فقدان فرصت برای ارتکاب جرم است. بیکاری منجر به افزایش اوقات فراغت فرد می‌شود و چنانچه برای اوقات فراغت افراد برنامه‌ریزی‌های منطقی و مناسبی اتخاذ نشده باشد زمینه گرایش به اعتیاد برای آنان مهیا می‌شود، چرا که در این فرصت فرد با منحرفان و معتادان آشنا می‌گردد و به آنها می‌پیوندد. با توجه به این که قاچاق موادمخدر یکی از انواع جرایمی است که درآمدزایی بالایی دارد، این

انتظار وجود دارد که با بیکار شدن یا بیکار بودن شخص و در نتیجه سطح درآمدی پایین، احتمال ارتکاب چنین جرمی افزایش یابد. در این باره اکثر مصاحبه شونده‌گان به بیکاری نیز به‌عنوان عامل اصلی در گرایش به سمت قاچاق موادمخدر معتقد بودند. در این باره صحبت‌های علی رو می‌شنویم: من واقعاً عامل اصلی رو که باعث شد به سمت این کار پیام رو بیکاری می‌دونم. وقتی شما کاری نداری که ازش درآمدی به‌دست بیاری خیلی احساس پوچی و بی‌هویتی میکنی. من احساس می‌کردم که اصلاً به درد زندگی کردن و جامعه نمی‌خورم. شاید این حرفم خنده‌دار باشه ولی اوایل که این کارو شروع کرده بودم از اینکه برای یه سری از افراد جامعه که به مواد نیاز دارن مفید بودم و مواد به‌دستشون می‌رسوندم احساس رضایت خاطر داشتم. بیکاری و در کنارش اعتیاد خود افراد عامل خیلی مهمی در گرایش آدم به سمت قاچاق مواد داره.

عوامل روانی - شخصیتی

هیجان طلبی: تقریباً انجام هر کاری بدون توجه به باورهای ذهنی و نیروهای درونی شخص انجام دهنده غیرممکن است. زمانی که یک تحول به مفهوم دقیق کلمه در خاستگاه فلسفی ذهنی صورت می‌گیرد، باور روانی و انگیزه‌ای، که از آن گرایش به موادمخدر تعبیر می‌کنیم، ایجاد می‌شود. فرد دائم مشکلات و موقعیت خود را ارزیابی و داوری می‌کند. این داوری نوعاً شخصی بوده و بر اساس دانش و فرهنگ تربیتی و فکری شخص داوری کننده صورت می‌پذیرد. یکی از بارزترین علل گرایش به مصرف موادمخدر در جوامع صنعتی پیشرفته شکستن عادت ناشی از حیات عادی فردی است که در بستر زمان، صورت ملال‌آور به خود می‌گیرد. در این خصوص با بهنام مصاحبه کردیم و او در جواب گفت: «من یه جوان ۲۲ ساله‌ام. در حال تحصیل داخل دانشگاه بودم. یه روز با خودم گفتم به فرض اینکه من مدرکم

رو هم بگیرم و برم سرکار، ماهی یه درآمد حداقلی داشته باشم، در آخر باید به همین زندگی عادی و تکراری ادامه بدم. پس بهتره برم سمت کاری که هم خودش تنوع داشته باشه هم با درآمد حاصل از اون بتونم هر روز یه مدل زندگی کنم و از این شرایط عادی و یکنواخت بیرون بیام و در مقایسه با دوستانم هم غیر عادی و بالاتر باشم که نهایتاً منجر به این فلاکت برای من شد».

کنجکاوی: عده‌ای با شرکت در مجالس دوستانه، زمانی که می‌بینند دیگران از مواد مخدر استفاده می‌کنند، حس کنجکاوی در آن‌ها تحریک شده، به مصرف مواد و خرید و فروش آن گرایش پیدا می‌کنند. دسته‌ای از افراد نیز برای کنجکاوی و ارزیابی خودشان با تصور اینکه با یکبار مصرف معتاد نمی‌شوند و گاهی حتی برای اینکه قدرت خودشان را به دیگران ابراز دارند به مصرف مواد مخدر تن می‌دهند. احتمال معتاد شدن این افراد نیز بسیار زیاد است. همین کنجکاوی آنان در مصرف مواد مخدر منجر به ورود آنان به خرید و فروش در بازار مصرف و انتقال مواد مخدر شده است، بنابراین یکی دیگر از عواملی که منجر به ورود به بازار قاچاق مواد مخدر شده است کنجکاوی این افراد است که دچار این بلای خانمان سوز و این انحراف اجتماعی می‌شوند. در این خصوص عباس در مورد کنجکاوی نظرش این است که بعضی از آدم‌ها مثل من که از لحاظ هوش با بقیه افراد کمی فرق داریم و بالاتریم آگه یه محیط و مکان خوب برای تخلیه خود نداشته باشیم، ناگزیر این خلاقیت و کنجکاوی رو در کارهایی مثل قاچاق مواد خالی می‌کنیم. من علت اصلی که باعث شد به سمت اینکار برم کنجکاوی برای تجربه این کار بود که در نهایت باعث شد مسیر زندگیم به کلی عوض بشه و به سمت بیراهه برم».

تجارب نامطلوب، به‌ویژه در کودکی: در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته‌اند. با توجه به همین

پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی‌تفاوتی والدین، بی‌سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی‌توجه بوده‌اند. این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه‌ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است (اسعدی تادوانی، ۱۳۹۰) که در این خصوص غلام معتقد است: «من داخل یه خانواده‌ای بزرگ شدم که کلاً از ریشه نابسامان بودیم. پدر بزرگم که پیش ما زندگی می‌کرد به موادمخدر اعتیاد داشت، پدرم هم همین‌طور. همیشه اونارو در حال مصرف مواد می‌دیدم. از طرفی کم بودن درآمد پدرم و اینکه بارها من رو می‌فرستادن تا براشون موادمخدر بخرم باعث شد تا توی ذهن خودم تصور کنم که چرا سود فروش موادی رو که برا پدرم می‌خرم یکی دیگه بره خودم پیام شروع کنم به فروش و قاچاق مواد تا پولی هم گیر خودم بیاد. خلاصه بگم اگه داخل خانواده‌ای زندگی می‌کردم که چارچوب و حساب کتاب داشت هیچوقت داخل این راه نمی‌افتادم.

کمبودهای شخصیتی و تلاش برای اثبات خود: بسیاری از صاحب نظران در مسأله بزهکاری، کمبود محبت و ضعف عاطفی را ریشه اصلی جرم و انحراف دانسته‌اند. فرد در خانواده زمانی که نیازهای عاطفی اش برآورده نشود، مجبور می‌شود دست نیاز به سوی دیگران دراز نماید. در این زمان است که شکارچیان از این موقعیت‌ها سوء استفاده می‌کنند و با ارتباط عاطفی دروغین افراد را به سوی انحراف می‌کشانند. آن گونه که آزادی بی حد و حصر منجر به گرایش فرد به انحرافات اجتماعی می‌شود، محدود بودن نیز می‌تواند عامل گرایش فرد به انحرافات اجتماعی باشد؛

زیرا از سویی، محدود بودن منجر به فعال شدن حس کنجکاوی فرد و از سوی دیگر، منجر به بروز مشکلات عاطفی می‌شود. کنترل بیش از حد فرزندان سبب می‌شود که فرد وابسته به کنترل خارجی (زور) باشد؛ یعنی تا زمانی که از طریق اعمال زور رفتارش تحت کنترل است دست به عمل منحرفانه نمی‌زند، اما به محض اینکه کنترل والدین ضعیف شود و یا والدین به دلیل اشتغال فرصت کنترل را نداشته باشند، خود را رها می‌یابد و به رفتارهای انحراف‌آمیز روی می‌آورد؛ زیرا از کودکی حس کنترل درونی (وجدان) او خاموش بوده و همیشه به کنترل خارجی و احتمال زور وابسته بوده است که در این باره سجاد گفت: من به جز خودم دوتا دیگه برادر دارم که یکیشون بزرگ‌تر و یکیشون کوچیک‌تر از خودمه. پدرم همیشه سرکوفت اونارو به من میزد و می‌گفت تو نمی‌تونی خودتو جمع جور کنی و آبروی برادرات رو هم می‌بری. پدر من از لحاظ مالی آدم ثروتمندی هست. او یکی از معروفترین هتل‌های همدان رو داره. یه روز تصمیم گرفتم که بهش ثابت کنم من آدم با جنمی هستم و از برادرام خیلی سرترم. بهتر بگم من برای پول سمت فروش و قاچاق مواد نرفتم و فقط خواستم به پدرم ثابت کنم که آدم شجاعی هستم و بی دست و پا نیستم. شاید اگه دید منفی پدرم به من نبود و منو مثل بقیه بچه‌هاش میدونست الان اینکارو نکرده بودم که الان محکوم به اعدام نبودم.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل اقدام به قاچاق مواد مخدر در استان همدان بود، از این رو در این پژوهش، برای تبیین هدف موردنظر، با شش نفر از قاچاقچیان دستگیر شده به صورت نمونه‌گیری در دسترس مصاحبه هدفمندی صورت پذیرفت چراکه مواد مخدر در صدر مسائل اجتماعی جهان بوده و مهم‌ترین چالش اجتماعی دولت‌ها به شمار می‌رود. قاچاق، توزیع و مصرف مواد مخدر، در زمان کنونی، شکل

مخاطره‌آمیز و پیچیده‌ای به خود گرفته و همچنین از رشد فزاینده‌ای نیز برخوردار است. اعتیاد و موادمخدر، علاوه بر بیماری‌ها و آسیب‌های فراوانی که برای فرد دارد، عوارض و پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری نیز به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از قبیل گسترش فقر، جرم و جنایت و اتلاف سرمایه‌های مادی و اقتصادی به دنبال دارد. اما باید توجه داشت که گرایش به این آسیب اجتماعی از عواملی ریشه می‌گیرد که برای پیشگیری و درک بیشتر این موضوع باید به عوامل به وجود آورنده آن توجه داشت. همان‌طور که در این پژوهش ملاحظه شد، عوامل متعددی منجر به گرایش افراد به قاچاق موادمخدر شده بود که از جمله این فاکتورها فقر خانواده، رهایی از زندگی عادی، گرایش یکی از اعضای خانواده به فروش مواد، ستیزه والدین، مشکلات روانی، کنجکاوی، شخصیت متزلزل و ضعف اراده، محدود کردن فرزندان و تبعیض بین فرزندان، نقش محیط جغرافیایی و نقش دوستان ناباب گزارش شد. بنابراین می‌توان علت گرایش به قاچاق موادمخدر را ناشی از این عوامل دانست و بر اساس آن درصدد پیشگیری از این آسیب اجتماعی و اقتصادی برآمد. همچنین، گسترش بیکاری و نبود درآمد به شیوه‌های مشروع برای برآورده شدن نیازهای اولیه و ثانویه افراد، فقر و تنگدستی خانواده‌ها، عوامل شخصیتی، محدودکردن یا آزادی زیاد فرزندان نیز پیشگیری از قاچاق موادمخدر باید مورد توجه قرار گیرد که یافته‌های پژوهش حاضر، با پژوهش‌های کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، موسایی و گرشاسبی (۱۳۸۹)، احمد زاده (۱۳۹۰)، کتابی و همکاران (۱۳۹۲)، سینگ و نونس (۲۰۱۳)، بوگوراس و دنیلی (۲۰۱۱)، قربان حسینی (۱۳۶۸)، بهرا (۲۰۱۳) و ویسی و محمودی نژاد (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. براین اساس، با توجه به این‌که یکی از ابعاد یا شاخص‌های اساسی سبک زندگی نوین

جلوگیری از اعتیاد در بین جوانان و نوجوانان می‌باشد؛ لذا چند پیشنهاد برای پایین آمدن میزان آسیب‌ها در این موضوع ارائه می‌گردد:

۱. بهره‌گیری از توان امور اجتماعی و مشاوره‌ای نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های فرهنگ‌ساز نظیر آموزش پرورش و اداره ارشاد که با بهره‌گیری درست از آموزه‌ها و روش‌ها آنها می‌توان کمک بسیار خوبی در جهت پیشگیری از ورود افراد به عرصه‌هایی از قبیل قاچاق مواد مخدر شد.

۲. تقویت بنیه مالی سازمان‌های حمایتی همچون کمیته امداد و بهزیستی برای افراد تنگدست و تهی دست تا ضمن فراگیر بودن بخشی از زمینه‌های کسب درآمد از طریق مواد مخدر را از بین ببرد. همچنین، در برنامه‌های بلندمدت و میان مدت دولت باید سازمان‌های مشخصی ایجاد شوند تا در صورتی که افرادی به ناخواسته بیکار شده‌اند، تحت پوشش قرار بگیرند.

۳. ترویج فرهنگ روزی حلال و اعتقاد به حرام بودن برخی درآمدها در سطح جامعه، اگرچه شاید بر روی خود افراد قاچاقچی کمتر اثرگذار باشد، اما چه بسا بر نگرش‌های خانواده‌هایشان کارگر بیفتد. لذا، این فرهنگ و ارزش اجتماعی باید در بین شهروندان درونی شده، همچون بخشی از هویت هر فرد تبدیل شود.

۴. خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر دوستان فرزندان‌شان داشته و ببینند فرزندان‌شان وقت خود را چگونه می‌گذرانند و با چه کسانی رفت و آمد دارند و سعی نمایند آنها را با فرزندان خانواده‌های قابل اعتمادی آشنا نمایند و یا با دوستان فرزندان‌شان رابطه برقرار کرده و حتی روابط خانوادگی داشته باشند.

۵. برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مقررات و قوانینی تدوین شود که بتواند به‌طور جدی‌تر از سرایت و شیوع این قاچاق در کشور جلوگیری شود. دستگاه‌های کنترل کننده قاچاق مواد مخدر مانند؛ نیروی انتظامی پلیس می‌توانند نقش بسیار مهمی در

کاهش ارتکاب به قاچاق برای افراد جامعه ایفا کنند. از نمونه‌های این کنترل، می‌توان بالا بردن سطح مجازات‌ها و برخوردهای قاطع و بدون اغماض با افراد سودجو در راه قاچاق مواد نام برد.

منابع

- اسکندری، محمدحسین و اسماعیل دارابکلانی (۱۳۸۳). پژوهشی در موضوع قدرت، انتشارات پژوهشکده، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۳.
- آقابخشی، حبیب (۱۳۷۹). «اثرات اعتیاد پدر بر کارکردهای خانواده»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۵(۱۲)، ۳۴-۵۶.
- امام هادی، محمدعلی؛ آقابلیگویی، عباس؛ قره داغی، جابر (۱۳۸۲) حمل مواد مخدر در بدن: گزارش یک مورد جسد مومیایی شده، مجله علمی پزشکی قانونی، ۹(۳۰): ۹۳-۹۰.
- برومند شهرزاد. (۱۳۹۳). «نگاهی به قیمت و در آمد ناشی از مواد مخدر و سازمان دهی جنایی آن در جهان» فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳(۹)، ۶۳-۸۷.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۸۳). «آسیب‌های موادمخدر و ضرورت اصلاحات قانونی». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱۶۴-۱۷۷.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۷۷) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ دوازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حبیب‌زاده، محمدجعفر، (۱۳۸۸). «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲(۱)، ۱۱۵-۱۳۳.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم موادمخدر، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۸)، ۱۶۵-۱۴۹.
- رئیس‌دانا، فریبرز. (۱۳۸۱). بازار موادمخدر در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴(۲)، ۹۱-۱۰۹.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۶). «مواد مخدر: مسایل روش‌شناسی». مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، ۴(۱)، ۹۱-۱۱۵.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۸). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: نشر روان.

عبدی، نرگس و شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۶). «پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی محور»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره هشتم، ص ۱۷۹-۱۹۶.

غنجدی، علی (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک مواد مخدر «جنوب غرب آسیا» تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.

کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ جباری، کاظم (۱۳۸۹) تأثیر منطقه اسکان غیررسمی بی سیم در شکل گیری الگوهای فضایی بزه قاچاق مواد مخدر در شهر زنجان، مطالعات امنیت اجتماعی، جدید (۲۱): ۳۳-۵۷.

گال، بروک؛ گال، مردیت؛ بورگ، والتر و جویس گال (۱۹۴۲)، روش های کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران (۱۳۸۶)، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.

Piazza, J. A (2011). the Illicit Drug Trade, Counternarcotics Strategies and Terrorism, Public Choice, 149 (4), PP: 297-314.

Singh, N. K. & Nunes, W (2013). “Drug Trafficking and Narcoterrorism as Security Threats: A Study of India’s North-east”, India Quarterly, 69(1), PP: 65-82.